

حمایت پادشاهان و امیران از ادیبان

شاعران و فاضلات در دوره تالپوران

Kings and Monarchs' Support to the men of Letters and Poets in the era of Talpur dynasty.

شفقت جهان ختک

Abstract

Art and Literature greatly flourished during the reign of Talpur monarchs. They were found of collecting and composing books. A great number of authors and writers used to busy all the time in their court in compiling and composing. They used Camphor in their Libraries for the safety of books. A large number of books were authored and composed in Philosophy, deeper literary understanding. The author in this write up has discussed works of the entire chain of the said dynasty.

قوم تاله پوران یکی از شاخه های کثیر اقوام بلوچ است که بقول بلوچان از نسل امیر حمزه عم رسول اکرم ﷺ اند و العلم عند الله، و چنان معلوم میشود که در ایام سلطنت محمد اکبر شاه هندوستان قریباً در سال ۹۹۵هـ برابر سال ۱۵۸۶ع از ملک حلب و توالیع عرب در حدود بلوچستان وارد گردیده باش اختیار نمودند که بعد نظر آن نام ملک بلوچستان معروف گردید و تا به حال به کثرت آنجا سکونت دارند و از آنجا بعضی آنها در ملک سند و دیگر جای ها که به قرب وجوار بلوچستان بوده رسیده سکونت پذیر گشته و به اشتغال متفرقه، ملازمت و زراعت و غیره مشغول گردیده قوت لایموت که بجز از آن چاره نیست حاصل نمودن گرفتند - قصه کوتاه "تاله" یکی از بزرگان شاه بوده است و به اصطلاح زبان بجمی "پور" یعنی پسر است "تالپور" به کثرت استعمال عوام "تالپر" گردید.

تالپران به شاخه های بسیار منقسم اند که جمله را صرف نظر کرده رجوع به تالپران می کنیم که به ملک سند بالای مسند حیدر آباد و خیر پور خاص حکمران بودند - چنانچه جد بزرگ این هر سه خاندان ککه یا لکو خان عرف سلیمان خان بود - پس از تسلط بر ملک سند، فرمان ایالت ملک سند، بعد نقر مالیه شاهی بدستور ماسلف از تیمور شاه بادشاه کابل حاصل نمود در سال ۱۱۹۹هـ مطابق سال ۱۷۸۳ع ملک سند را به هفت حصه تقسیم نمودند -

مجمله هفت حصه، چهار حصه میر فتح علی خان هگی برادران حقیقی خود و دیگر بلوچان، دو حصه میر سهراب خان و یک حصه میر تهاره خان به قید تصرف در آورده در حیدر آباد و میر پور خاص و خیر پور مسند نشین گردیده، حکمرانی نمودن گرفتند -

الحاصل هر سه حکمرانان تالپوران در قلمر و خودها بوجه احسن و به کمال زور می گذارنیدند۔ اگر چه قلبی ضدیت مابین خودند
اشتند، اما فیما بین بعضی اوقات جنگی بعمل می انجامید۔ بر این موقع مؤلف را سوال و جواب میر سهراب خان و میر فتح علیخان مرقوم
نمودن می زیبد:

سوال میر سهراب خان:

ما بادشاهیم، وزیدم همه کس را
ما گرک درندیم، دریدم همه کس را

جواب میر فتح علی خان:

پشه چه بود که پردیش بیل
گر به هوارفت نه شد جبریل
ور مگر سر زور دوبازو نمود
طعمه سیرغ نباید بود

فی الجمله میر صاحبان بخوبی باهم رفاقت داشتند۔ هر گاه یک غنیمی که به ایشان رخ می نمود یک دل و متفق گردیده بر آن تاخت می
آوردند۔ اگر احیاناً حصه از ملکی در تصرف شان می آمد به طریق معروف تقسیم کرده متصرف می شدند۔ و سخن راست این است که ملکی
که در زمان میان غلام شاه شامل سند بود و بعد از تصرف والیان سابق بدر رفته بود، آن را تماماً در قبضه خود آوردند۔ چنانچه سبزل کوت از
نواب بجاو پورو کر اچی و توابع آن از خان قلات و شکارپور و توابع آن از افغانان و لکپشت و بست از راجه "بھوج" و عمر کوت و ریگستان
از راجه جود پورو در صرف آوردند۔ مطلب که در زمان میر صاحبان اکثر قصبه جات ملک سند که در زمان حکمرانان عباسیان از دست
شان خارج شده بود، همه را بزور شمشیر شامل به ملک سند نمودند و بر آن بخوبی قابض بودند (۱)

قبل از این که به اصل موضوع برگردم لازم می دانم نگاه کوتاهی به تاریخچه زبان فارسی در سند بیا فکنم۔

شمس العلماء مولوی محمد ذکاء اللہ صاحب تاریخ هند (اردو) عقیده دارد که فتح سند را در فتوحات اعراب محسوب کردن اشتباه
آمیز است۔ این فتح بدست لشکر ایرانیا صورت گرفت که محمد بن قاسم ریاست آن لشکر را بعهده داشته۔ در فتح نامه سند هم شواهدی
موجود است که این موضوع را تأیید می کند، لشکر اسلام چون به سند رسید در آنجا آثار فرهنگ ایرانی را مشاهده کرد که قبلاً به آن سر
زمین راه یافته بود۔ چنانکه نام رود سند را امور خین و جغرافیای نویسان عرب مهران ثبت کردند و این نام ایرانی خالص است۔ زبان اهل
مکران فارسی و مکرانی است۔۔ و لباس ایشان هم ایرانی است۔ از گفته های بالا چنین بر می آید که زبان فارسی در مولتان و مکران رواج
پیدا کرده بود۔ مکران که از دیر باز تحت تأثیر ایران قرار داشته و مولتان نیز مرکز بزرگ بازرگانی بوده است۔ بعلت رفت و آمد
کاروان های بازرگانی از ایران در اینجا زبان فارسی فهمیده می شد۔

با اینکه سرزمین سند هم مرز ایران بود و از زمان های بسیار قدیم تحت نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران بوده است و زبان فارسی نخست به سندر سیده ولی در اینجا زبان فارسی توسعه پیدا نکرد و در حدود سند متوقف ماند این افتخار نصیب غزنویان شد که زبان شیرین فارسی را بچند بر دند و توسعه هم دادند (۲)۔

حال بر میگرددیم به اصل موضوع:

دولت رسمی تالپران از سال ۸۳۷م آغاز گردیده تا ۱۸۳۳ میلادی ادامه داشت (۳)۔ خانواده مزبور بعد از کلهوران سریر آرای حکومت سند شدند۔ در این عصر تاثیر زبان فارسی بر زبان سندی بیش از پیش نمایان شد۔ در این عهد سندیکی از استاهای بانج دهنده شهنشاهی قاجاری ایران شده بود۔ و روابط هر دو کشور بسیار نزدیک شده بود تحایف و هدایا رد و بدل میشدند۔ و به همین ترتیب شعرا، علما و ادبای ایران وارد این خاک میشدند، ذخایر و افرکتاهای ایران در این زمان به سند آمده و رونق بخش کتابخانه های تالپوران تاحدی تحت تاثیر فرهنگ ایران قرار گرفته بودند که دربار آنان کاملاً شبیه دربار شاهان ایران بود شعرای ایران قصاید غزالی خود را در دربار می سرودند و از جوایز و عطایا سرفرازی می شدند۔ در نتیجه این تماس نزدیک، شعر بومی سند هم بک قدیم خود را ترک گفت و اوزان و بحر شعر فارسی را اخذ کرد۔ یکی از شعرای معروف این دوره سید ثابت علی شاه بود۔ مرثی و اشعار مدحیه این شاعر مورد پسند عموم واقع شده است۔ ثابت علی کلمات فارسی زبان را تا حد زیاد بکار برده است۔ در این عصر فارسی نه تنها زبان علما و فضلا بود بلکه در مدارس ابتدایی هم تدریس میشد۔ علوم دینی، اخلاقی، فلسفه و منطق در زبان فارسی تدریس میگردد۔ گلستان، بوستان و کریمای سعدی، پندنامه عطار، انوار سهیلی از کاشفی نیز اخلاق محسنی وی، یوسف زلیخا از جامی و همچنین لواط سکندر نامه نظامی گنجوی، مثنوی مولوی و شاهنامه فردوسی برنامه تحصیلی سندر را تشکیل می داد۔ عوام و خواص در فارسی مکاتبت میکردند۔ و انشای ابوالفضل اکبر آبادی شامل برنامه تحصیل بود۔ بدو انخط نستعلیق برای زبان محلی سندر بکار برده میشده (۴)۔

در تاریخ، علم و فضل وجود و سخای تالپران نمایان است۔ به سبب تشویق اینها، علما، نقاشان، شاعران، خطاطان و هنرمندان به این سرزمین آمده، نه تنها برای خود مشتری های خوب پیدا کردند، بلکه خدمات گرانجایی در پرورش فرهنگ و هنر این خطه انجام دادند۔

امیران تالپریه "اشعار رزمیه" بیشتر علاقه مند بودند۔ برای همین شاهنامه خدا نها از ایران به این سرزمین آمده بودند۔ شاعر معروف آن زمان "عظیم الدین عظیم" در تقلید "شاهنامه فردوسی" مثنوی بنام "فتح نامه" نوشت و مورد تشویق شاهان قرار گرفت۔

تالپرها خودشان در نوشتن نظم و نثر مهارت داشتند، به خاطر تسکین ذوق خود، کتابخانه های شخصی ترتیب داده در آن ها از هر نوع علوم و کتابهای نادر و نفیس جمع کرده بودند (۵)۔

(۱) بعد از کھوران میر فتح علی خان ۱۱۹۹ھ عنان سند در دست گرفت۔ ایشان اولین فرمانروای خانواده تالپوران بود۔ مرد خیلی هوشمند و شجاع و عاقبت اندیش بود۔ عالمان و شاعران را خیلی دوست داشت برای آنها ارزش زیادی قایل بود۔ در سفر و حضر عالمان و شاعران همراه شان می بودند۔ ذوق ادبی و شعری اش از این باید اندازہ گیری کرد کہ ”قصہ سسی پنوں“ را بطرز ”یوسف زلیخای“ مولانا جامی از نو طرح ریزی کردہ بہ نظم فارسی در آورده۔

میر عظیم الدین عظیم بن سید یار محمد برادر میر علی شیر قانع تتوی (صاحب مقالات الشعر) کہ در ۱۱۶۳ھ در سنہ بدینا آمد، ملک الشعرای دربار میر فتح علی خان بود۔ میر حسن الحسینی مؤلف زبدۃ المعاصرین از کمال فن شاہ طوری تجید نموده است۔

”سندی الاصل از دیول ”سنہ“ باشد، و کمال فصاحت و بلاغت سخن پرداز می عدیل و نظر نداشته۔“ مؤلف نامبرده در این شعر سن وفات ”عظیم“ چنین بیان نموده است۔

روح القدس بسال وفاتش ز غیب بود

گفتا بجای ”محب علی العظیم“ بود

ازین بر می آید کہ این شاعر والا مقام در سال ۱۲۲۹ھ فوت گردیده است مثنوی فتح نامہ دیوان عظیم اردو، مثنوی ہیر و انجھا و انشای عظیم (مجموعہ مکتوبات) تالیفات شان هستند۔

دیوان عظیم، اولین دیوانی است کہ عظیم آن را بہ فرمان میر فتح علی خان در سال ۱۲۱۰ھ مرتب نموده بود۔ عظیم دو نسخہ از این بدست خودشان نگاشته بود۔ یک نسخہ برای میر فتح علی خان و دومی برای برادرش میر غلام علی خان۔ ہر دو نسخہ تا حالا محفوظ مانده اند۔ یکی در کتب خانہ شخصی سید حسام الدین راشدی و دیگری در کتب خانہ میر نور محمد خان تالپور در حیدر آباد موجود است۔

(۲) میر غلام علی خان ۱۲۰۷ھ تا ۱۲۲۷ھ همچون برادرش میر فتح علی خان از علما و شعرانیز قدر دانی می کرد۔

(۳) میر کرم علی خان ۱۲۲۷ھ تا ۱۲۴۴ھ حاکم حیدر آباد نیز اہل فضل و صاحب ذوق، سخن سنج و شاعر بود۔ برای شاعران و عالمان و فاضلان قدر و منزلت زیاد قایل بود۔ ”دیوان کرم“ کہ بنام او موسوم است اماتا ہنوز بزور طبع آراستہ نگردیده است، تالیف دیگری شان ”مجموعہ دلگشا“ می باشد۔ در این جنگ ایشان ادبیات شعرای قدیم و متاخرین مربوط بہ ذوق شان جمع آوری کردہ است (۶)۔ شعر شان سادہ و شیرین و شیوا بود بعنوان مثال میگوید:

خندید و ناز کرد جفا را بجانہ ساخت

گفتم بناز و لطف بنخہ پا بچشم من

پوشیدہ رو بدست و دعار بجانہ ساخت

گفتم کہ روی تو بینم ز شوق دل

الگوی شعر اردو شان:

صبح دم یاد مجھے چاک گریبان آیا

پھر تصور میں میرے وہ رخ تابان آیا

سیر گلشن میں نظر میری پڑی عنچوں پر
دل میں پھر میرے خیال گل خندان آیا (۷)

پیشرفت های علمی و ادبی در دورہ کرم علی خان جنب و جوش قابل ملاحظہ ای داشت۔

شاعران و عالمان و فاضلان بی شمار بہ دربارشان وابستہ بودند۔ بنابہ محافظت و سرپرستی از علم و ادب، شعر و ادب و هنر در عہدشان از شکو فانی بی مانند برخوردار بود۔ میر غلام علی مایل، میر صابر علی صابر، مخدوم نور محمد بوبکاتی، آخوند نور محمد بالائی، میر زاخسر و بیگ چوکس، میر کاظم شاہ سرخوش، سلمان صاجی، عبد المجید جوکیو، منشی صاحب رای آزاد، میر هوتک افغان، آقای محمد عاشق، میرزا مظہر، سید طباطبائی و منشی دولہ رام از شاعران برجستہ دربارشان بودند۔

(۴) میر مراد علی خان، ۱۲۴۴ھ تا ۱۲۹۹ھ بطور کلی شخصیت دلکش پرکشش داشت۔ مرد سخن و سخن شناس و صاحب علم و فضل بود۔ از عالمان و فاضلان قدر دانی میکرد۔ تالیفات شان کہ تا حال بہ دست آمدہ بقرار ذیل میباشند:

- ۱۔ دیوان فارسی، کہ یک نسخہ اش در کتب خانہ تالپر موجود است۔
- ۲۔ محکم خسروی، در این کتاب کلام شاعران متقدم و متاخرین مربوط بہ جنگ مندرج است۔ همچنین غزلیات شاعران معاصر نیز در این کتاب جمع آوری شدہ است۔ بنابہ قدر دانی شان از کارهای علمی و ادبی بعضی از مصنفین کتابهای شان بہ اسم شان معنون کردہ اند۔

(۵) میر نصیر خان تالپر ۱۲۴۹ھ تا ۱۲۵۵ھ بن مراد علی خان بعد از وفات برادرش نور محمد خان تالپر حاکم حیدر آباد گردید۔ از آخوند محمد بچل متخلص بہ انور بن آخوند محمد صالح علوم دینی و دنیوی کسب نمود۔ مرد پختہ کار و حاکم و سخا بود۔ صاحب مکملہ مقالات الشعر از اوصاف و اخلاق حمیدہ شان طوری یاد آور شدہ است:

”از ہمہ تالپران عصر خود بمریت اقبال زیست سخاوت منش و کریم الطبع بر آمد۔“

در شاعری ”جعفری“ تخلص می کرد۔ صاحب تصانیف بود، آسانی شان بقرار ذیل می باشد۔ دیوان فارسی، دیوان اردو، سفرنامہ جعفری، مکاتیب جعفری، مثنوی مرزا صاحبان و مثنوی مختارنامہ۔

(۶) میر حسن علی خان بن میر نصیر خان تالپر در ۱۲۴۰ھ دیدہ بہ جہان گشود۔ میر حسن علی خان مرد خیلی باهوش و صاحب علم و کمال بود۔ تصانیف شان لسان الحق فی میزان الصدق در جواب میزان الحق پادری فندز، مختارنامہ (منظوم سندی) در دو جلد، رویای صادقہ (نثر و نظم فارسی)، نھر البکا (سلام و مرثیہ سندی) مثنوی فتح نامہ سند (سندی) ترجمہ فتح نامہ فارسی تالیف میر صوبدار خان میر احسن البلیان (اردو نثر) در جواب رسالہ تحقیق الایمان از پادری عماد الدین پانی پتی، رد خوارج (سندی) در جواب ۳۲ سوالات میر محمد علی خان در مسائل عزاداری، مجموعہ خطوط (فارسی) در جواب مکاتیب پادری فند، احوال شکار، چون میر حسن علی خان شکار را خیلی

دوست داشت و احوال و تجربیات خود را در مورد شکار در دو جلد نگاشته است، مثنوی حیدری معروف به شهنشاه نامہ (سندی) دیوان مناجات و منقبت، دیوان قصاید، مرثیہ۔

۷) میر عباس علی خان مومن بن میر نصیر خان جعفری، در شاعران، مومن، تخلص می کرد۔ دیوان فارسی داشت اما بعد از وفات پسرش میر عبدالحسین ضایع گردید۔ البتہ یک مثنوی شان را صاحب تکرملہ مقالات الشعر از بیاض خطی بعینہ نقل کرده است۔
۸) میر حسن علی خان بن نور محمد خان بن مراد علی خان، حسین تخلص می کرد۔ در نظم و نثر فارسی، اردو مہارت تام داشت، تصانیف شان بقراردیل میباشند:

مناقب علوی (نثر فارسی)، شاہد الامات (فارسی)، لب لباب (نثر فارسی)، دیوان حسین (فارسی واردو)، دیوان حسین (اردو) (۸)

صوبہ اد خان عمادہ میر نصیر خان نیز شاعری برجستہ و قادر الکلام بود۔ ”میر“ تخلص داشت۔ تصانیف برگزیدہ شان بہ این قرار اند۔

دیوان میر (فارسی)، مثنوی فتح نامہ، مثنوی سیف الملوک، مثنوی خسرو شیرین، مثنوی ماہ مشتری، مثنوی جدائی نامہ، میر صوبہ اد خان این خمسہ را در تتبع امیر خسرو و نظامی و جامی نگاشته بود۔

میران تالپر جامع آوری کتب خیلی علاقہ مند بودند۔ و برای کتابت، کاتبان متعددی در دربار شان مشغول بکاری بودند، برای حفظ کتاب از کافور استفادہ میشد۔ وقتی کتابی نقل یا نگاشته می شد، بدون توقف منقش جلد بندی می شد۔ کتب احادیث و تفسیر و منطق و فلسفہ و ادب و شعر و تاریخ وجود داشته ہر آیینہ حجم اش فزونی می یافت (۹)

بطور کلی از لحاظ ادب و فن عہد تالپری بر عہد کلہوڑہ تفوق دارد علنش این است کہ میران تالپری بذات خود صاحب ذوق و سرپرستان علم و فن بود۔ اگرچہ در عہد تالپران زبان فارسی از اہمیت والای برخوردار بود اما ادب سندی نیز پواش پواش سیر پیشرفت را پشت سرمی گذاشت۔ در حقیقت دولت در شہر ہابہ زبان فارسی احتیاج داشت اما در دہہ و روستا ہا تصانیف زبان سندی از اہمیت و مقبولیت بیشتری برخوردار بود۔ طوریکہ در عہد کلہوڑہ شاہ عبد الطیف بہ زبان سندی مقام بلندی عطا نمود، همچون در عہد تالپوران سچل سر مست بہ زبان سندی فروغ و توسعه داد (۱۰)

بعد از غلبہ انگلیسی ہا زبان فارسی ہر روز کاستہ شد البتہ علم دوستی اہل سند تا بہ حال باقی است۔ برای اہمین در کتابخانہ ہای مختلف کتاب ہای گرانہای علما، توسط مردم این سرزمین نگہداری می شوند۔

مردم این جا وظیفہ خودی دانند کہ باید از گنجینہ گر انقیمت مواظبت کنند تا تاریخ کھن این سرزمین ہمیشہ زندہ بماند و باعث افتخار ما باشد، چنانکہ میر صوبہ اد خان سرود:

خوش کشوری ست دایم باد ابقای سند کشمیر آبدیدہ ز آب و هوای سند
 دریای سندر صفت از حد فزون بود آیینہ آبدیدہ ز موج صفای سند
 ’میر‘ از درت ہمیشہ بہ امید این دعا ست گردان ستارہ بر سر کام رضای سند (۱۱)

منابع و مآخذ:

- (۱) ”پاکستان“ مجموعہ مقالات تاثیر زبان فارسی در زبان سندی، ص ۵۳۵
- (۲) تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و ہند، جلد ۱۳۔ ص ۵۳۸
- (۳) تاریخ سند، جلد دوم ۱۱، ۶۵۴، ۶۴۶، ۶۴۴ تا ۱۳۷
- (۴) تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و ہند جلد ۱۳۔ ص ۵۳۹۔ ۵۴۰
- (۵) تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و ہند جلد ۱۳۔ ص ۵۴۱
- (۶) خداداد خان، خان بھادر، تاریخ قلب سند، سند ادبی بورڈ کراچی، حیدر آباد، پاکستان ۱۳۷۸ھ / ۱۹۵۹ء، م ص ۱۴۴، ۱۴۱، ۱۴۰ تا ۱۴۶
- (۷) دانش، شمارہ ۷۷، ۷۶، ”زبان و ہنر و فنون ایرانی در سند“ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد ۱۳۸۳ ش
- (۸) دانش، شمارہ ۷۷، ”زبان و ہنر و فنون ایرانی در سند“، ص ۱۳۳۔ ۱۳۴
- (۹) شبلی، محمد صدیق خان، تاثیر زبان فارسی بر زبان اردو، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۰ ش، ص ۸ و ۹
- (۱۰) قدوسی، اعجاز الحق، تاریخ سند، جلد دوم، مرکزی اردو بورڈ، لاہور چاپ دوم، ژوئیہ ۱۹۸۰ء، ص ۶۴۴
- (۱۱) محمد باقر و وحید میرزا، تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و ہند، (اردو) چاپ دانشگاه پنجاب، بار اول ۱۹۷۱ء میلادی، جلد ۱۳۔ ص ۵۳۵